



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۰/۲۸

فضل الرحمن فاضل

سفیران افغانستان در مصر قسمت پنجم

خوانندگان گرانقدر پورتال افغان جرمن آنلاين! این نوشته جناب محترم فضل الرحمن فاضل در شکل یک کتاب تدوین شده است بناءً افغان جرمن آنلاين آنرا با همان فورمات در خدمت شما قرار می دهد. با حرمت



داوی و مسأله پشتونستان

مرحوم داوی با ورود به مصر، با جدیت مسأله پشتونستان را مطرح کرد، طوری که در بالا دیدیم این مسأله مهم برای افغانستان را به سمع زمامدار مصر جنرال محمد نجیب نیز رسانده است. حضور ملموس قضیه پشتونستان و کنفرانس های خبری داوی در مطبوعات مصری و اظهار نظرهای او در مصر و تبصره های او راجع به حق خود اردایت پشتون های آن طرف خط دیورند، باعث شد تا این اظهار نظر ها، در مطبوعات پاکستان نیز بازتاب داشته باشد.

در پیوند به این موضوع، عبد الرعوف خان شارژدافیر سفارت افغانستان در کراچی، پیوست با نامه خاصی به تاریخ ۹ اسد ۱۳۳۱ چهار قطعه کتنگ (بریده) اخبار را فرستاده و خطاب به داوی می نگارد:

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

ع، ج محترم جناب عبدالهادی خان داوی سفیر صاحب کبیر اعلیحضرت معظم همایونی در مصر! با احترام به اطلاع می‌رساند:

هنگامه‌جویانی که مدام کارشان آتش نفاق را دامن زدن است و نمی‌خواهند مناسبات برادری و مسلمانی بین دو ملت همجوار و مسلمان روز به روز بهتر شود، در جراید هرچه می‌خواهند می‌نویسند و اخبار دور از حقیقت را نشر می‌نمایند. گاهی از طرف خود و گاهی از طرف حبیبی^۱ یاوه سرایی می‌کنند و از بیدانثی خود کار می‌گیرند. شخصی که خدمت و حق وطن خود را پامال کند پس به وطن دیگری، چه صداقت خواهد نمود؟ جرایدی که راجع به بیانات شما چیزها نشر کرده اند به ضم هذا به غرض استحضار جلالتمآبی تقدیم می‌گردد تا فرق گفتار جلالتمآب محترم و نشریات اینها فهمیده شود. با احترام عبدالرءوف:»

داوی در پاسخ به تاریخ ۱۳ اسد ۱۳۳۱ می‌نگارد:

«از ارسال مقطوعات شکران به جا می‌آرم، این چنین مقاله در یکی از اخبارات مصری نشر شده بود، ما در عین اخبار تردید کردیم که ما الحاق پشتونستان را نمی‌خواهیم، تردیدیه ما را چاپ کردند، ولی مفسدین در پاکستان از تردیدیه ما حرفی نمی‌زنند، صرف اشاعت دروغ را رواج می‌دهند، شما در بولتن خود رد کنید.»

توجه داوی به قضیه پشتونستان از دید وزارت خارجه مصر نیز پنهان نبود، کتاب مهم «الخارجية المصرية» یا وزارت خارجه مصر که سال های ۱۹۳۷ - ۱۹۵۲ را در ارتباط فعالیت های نمایندگی های سیاسی کشور های خارجی مقیم مصر، بررسی کرده است، در مورد افغانستان می‌نگارد:

«کما لوحظ أن مصر كانت أرضاً خصبة للخلافات الدبلوماسية التي دارت بين دولتي باكستان و أفغانستان، ولذلك قام محمد صادق المجددي وزير الأفغان المفوض في مصر بالاتفاق مع "حاجي عبدالستار سیت" سفير باكستان، على ألا يهاجم كل منهما دولة الآخر و ألا يثار النزاع بينهما في الأحاديث الصحفية. ولكن أفغانستان قامت بتغيير المجددي لعدم رضاها عن سياسته في مصر، فتولى "عبدالهادی خان داوی" منصب سفير أفغانستان ومع مجيء الأخير إلى القاهرة دعا إلى اجتماع صحفى و تحدث عن إصرار الأفغان على تحرير هذا الإقليم عن حكم الباكستان.»^۲

همچنان به ملاحظه رسیده است که مصر سر زمین مناسبی برای اختلافات دیپلماتیک میان دو کشور پاکستان و افغانستان بود. از همین رو، محمد صادق المجددی وزیر مختار افغانستان در مصر با حاجی عبد الستار سیت سفیر پاکستان، تعهد کردند که هیچ‌کدام بر دولت دیگری حمله لفظی نکند و نه نزاع میان دولتین در مطبوعات، مورد بحث قرار گیرد.

اما افغانستان از سیاست مجددی در مصر در این ارتباط ناراض بود. از همین رو به تغییر مجددی دست یازید و عبدالهادی خان داوی به حیث سفیر افغانستان تعیین گردید. با آمدن داوی به قاهره، موصوف کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داد و از اصرار افغان‌ها به آزاد سازی این اقلیم {پشتونستان} از سیطره پاکستان، حرف زد.

بازتاب این رویداد به "کراچی" پایتخت پاکستان هم رسید. از همین رو وزارت خارجه پاکستان، سکرتر اول سفارت مصر در کراچی را به مقر وزارت خارجه پاکستان، فرا خواند و ابراز امید واری کرد تا مطبوعات ملت بزرگ اسلامی مصر، نباید نزاع و اختلاف میان دو کشور اسلامی را انعکاس دهد و هم چنان ابراز امیدواری کرد تا مطبوعات مصری آن چه را که سفارت افغانستان در قاهره برای شان ارسال می‌دارد، با نوعی «حذر» مورد توجه قرار دهند.^۳

دکتور صفاء شاکر پژوهشگر مصری راجع به فعالیت های سفارت افغانستان در قاهره در مورد مساله پشتونستان چنین می‌نگارد:

«و يبدو أن الصراع بين الدولتين على أرض مصر لم يتوقف إذ أن حکمداریة بولیس مصر قامت بضبط المنشورات التي تضمنت تعريضا بدولة الباكستان، والتي طبعت بناء على رغبة سفارة الأفغان بمصر، و قيل أنذاك أن الأخيرة كانت تعتزم إرسال هذه المنشورات إلى مفوضية أفغانستان بجدة.»^۴

^۱ هدف نویسنده، علامه عبد الحی حبیبی است که تقریباً یک دهه، ایام تبعید را در پاکستان به سر می‌برد و در آنجا جمهوریت افغانستان را در تبعید اعلام داشته بود و نشریه "افغانستان آزاد" را نیز به چاپ می‌رساند. برای تفصیل مراجعه شود به کتاب "شرح احوال و آثار استاد عبد الحی حبیبی" تألیف داکتر عنایت الله شهرانی، ناشر سفارت افغانستان در قاهره، سال ۱۳۹۵ هجری خورشیدی، مقاله پاینده محمد کوشانی، صفحات ۱۲۳ - ۱۲۹

^۲ الخارجية المصرية، ص ۲۶۵
^۳ مطلب بالا طی نامه «محرم» (سری) سفارت مصر در پاکستان عنوانی معین وزارت خارجه مصر به تاریخ ۱۵ جون ۱۹۵۲ فرستاده شده است. به نقل از کتاب «الخارجية المصرية» ص ۲۸۴ پاورقی ۱۴۸

^۴ الخارجية المصرية، ص ۲۶۶

از قراین بر می آید که کشمکش میان هر دو دولت در سر زمین مصر، پایان نیافته بود؛ زیرا حکمداری پولیس مصر به ضبط شماری از مطبوعاتی دست یازید که بر دولت پاکستان تعرض می کرد و آن مطبوعات به اثر تقاضای سفارت افغانستان در مصر به چاپ رسیده بود و در آن زمان گفته شد که سفارت افغانستان قصد داشته این منشورات را به نمایندگی افغانستان به جده ارسال دارد.

به گمان من، هدف از «منشورات» اشاره شده یا اوراق چاپ شده در گزارش وزارت خارجه مصر، همان بروشور حاوی شش صفحه به زبان عربی است که تحت عنوان «واغوئاها! واغوئاها! واغوئاها!» خطاب به مسلمانان سراسر جهان به زبان عربی نگاشته شده است تا در موسم حج در میان حاجیان بیت الله الحرام پخش گردد و این نیشته توسط محمد اکبر خان که خود را نماینده ملت پشتون و یا به زبان عربی «محمد اکبر خان مندوب الشعب البختونی» خوانده، امضا گردیده است. این نیشته حماسی، مسلمانان جهان را مورد خطاب قرار داده می‌گوید:

«إعلموا، هنالك في البلاد الواقعة بين افغانستان و باكستان و في بلوچستان شعب مسلم يعرف بـ «البختون» يبلغ عدده ثمانية ملايين.»

بدانید در سرزمینی که در میان افغانستان و پاکستان واقع است و همچنان در بلوچستان، ملت مسلمانی زندگی می‌کند که به نام «پشتون» یاد می‌گردند و شمارشان به هشت میلیون نفر می‌رسد.

این بروشور از جهاد پشتون‌ها در برابر استعمار بریتانیا به تفصیل بحث کرده و بر پاکستان و زمامداران آن می‌تازد و می‌نویسد که رهبران پاکستان خواهان نابودی پشتون‌ها از صحنه هستی اند و مسلمانان را بار دیگر مخاطب قرار داده می‌گوید:

«فياالله عليكم ايها المسلمون، هل سياسة باكستان هذه سياسة إسلامية، محمدية، أم هي سياسة بريطانية بكل فظاعتها و بشاعتها؟»

ای مسلمانان شما را به خدا سوگند آیا این سیاست پاکستان اسلامی و محمدی است یا سیاست انگریزی با همه بدی و شناعتش؟

این نیشته در آخر و بعد از اینکه از ستم پاکستان بر همه ملت پشتونستان و زجر و شکنجه در زندان و مشخصا از خان عبدالغفار خان و برادرش داکتر خان؛ وزیر اعلاى سابق صوبه سرحد یاد می‌کند برای مخاطبان می‌گوید:

«ايها الإخوان جئنا إليكم بثقة تامة انكم تنصروننا لأننا مظلومون، وتنصرون كذلك باكستان، لأنها ظالمة، وذلك بأذكم على يدها، ومنعها من الظلم و مطالبتها بأن تعترف للشعب البختونی باستقلاله التام، ولكم منا الشكر، و من الله حسن ثواب الدنيا و الآخرة»

ای برادران! با اعتماد کامل به نزد شما آمده ایم تا ما را یاری رسانید؛ زیرا ما مورد ستم قرار گرفته ایم، همچنان پاکستان را نیز یاری برسانید؛ زیرا ستمگر است و یاری پاکستان این است که دست او را بگیرید و او را از ستم کردن باز دارید و از پاکستان بخواهید تا به استقلال کامل ملت پشتون، اعتراف کند. سپاس از طرف ما و بهترین پاداش دنیا و آخرت از جانب خدا برای شما باد!

همچنان این نشریه از حجاج بیت الله الحرام تقاضا کرده است تا برای صحت‌یابی بنده مجاهد خدا، خان عبدالغفار خان که در زندان پاکستان، به سر می‌برد، دعا کنند تا شفای عاجل نصیب او گردد.

این نیشته یا "بروشور" تاریخ ندارد، اما از نامه‌ای که به تاریخ ۱۳ میزبان ۱۳۳۱ هجری خورشیدی از سفارت افغانستان مقیم دهلی به مصر ارسال گردیده است و در آن از ارسال سفریه برای مولانا محمد اکبر خان رئیس «پشتون جرگه» خبر می‌دهد، موضوع را با این نیشته، ارتباط می‌دهد. بناءً مولانا محمد اکبر خان همان کسی است که به قاهره آمده و این نیشته را به کمک عبدالهادی داوی ترتیب و در قاهره به چاپ رسانده است، تا در میان حجاج سراسر جهان اسلام در موسم حج سال ۱۳۷۱ هجری قمری، (۱۳۳۱ هـ ش) پخش گردد.

عبدالهادی داوی همچنان در دوران سفارت خویش در قاهره به معرفی گسترده قضیه پشتونستان در مطبوعات مصری پرداخت که در هیچ دوره‌ای همچو فعالیت دیده نشده است. به گونه مثال ماهنامه «الحياة الجديدة» (زندگی نوین) مطلب تحلیلی‌ای تحت عنوان «ثورة في بختونستان؟» (انقلابی در پشتونستان) را به نشر رساند و خوانندگان را مورد پرسش قرار داده، نوشته بود: ماذا تعرف عن هذا الشعب الشرقي العريق؟ راجع به این ملت شرقی تاریخی چه می‌دانید؟ مجله یادشده «پشتونستان» را آتش‌فشانان مثل آتش‌فشان «کشمیر» تعریف کرده بود که راجع به کشمیر زیاد حرف زده می‌شود؛ اما از پشتونستان یادی صورت نمی‌گیرد. نویسنده تحلیلی‌گر می‌افزاید: «پاکستان خواهان

همه‌پرسی در مورد کشمیر است ؛ اما در مورد پشتونستان از همه‌پرسی انکار می‌ورزد که همچو موقفی، شگفت آور است.^۰

مرحوم داوی در مصاحبه‌ای با روزنامه «الجمهوریة» چاپ قاهره به تاریخ ۱۵ فبروری ۱۹۵۴م در برابر پرسشی چنین پاسخ می‌دهد:

« هیچ دشمنی میان دو ملت {افغانستان و پاکستان} نیست، بین دو دولت بعضی مسائل حل نشده باقی مانده است ، مهمترین آن ایجاد معاهده جدیدی است به جای معاهده ۱۸۹۳ و معاهده ۱۹۲۱ که هر دو در اثنای حکمفرمایی بریتانیا در هند منعقد گردیده است و بحا آوردن آرزوی ملت پختونستان {پشتونستان} در به دست آوردن استقلال است که در منطقه سرحد شمال غربی سکونت دارند و تعدادشان شانزده میلیون می‌باشد.»^۱

بقیه دارد

معرفی دوباره سیدجمال‌الدین افغانی در مصر

^۰ برای تفصیل بیشتر دیده شود ، مجله «الحیة الجديدة» جون ۱۹۵۳م صفحات ۹-۱۲
^۱ روزنامه «الجمهوریة» ۱۵ فبروری ۱۹۵۴م (۱۱ جمادی الثانیة ۱۳۷۳ هـ . ق)